

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۲، زمستان ۱۴۰۱، ص ۱۸۶-۲۰۴

بررسی فقهی و حقوقی مشروعیت ازدواج موقت بلند مدت (صیغه ۹۹ ساله)

داود محمودخانلی^۱

چکیده

مسئله نکاح موقت یک از مباحث مهم فقهی می باشد که بعد از فوت پیامبر مورد مناقشه بین شیعه و سنی بوده است. شیعیان با تمسک به قرآن، سنت و اجماع اصل آن را اثبات می کنند، در حالی که منابع فقهی مذاهب اهل سنت قائل نسخ آن توسط خلیفه دوم هستند. اما یکی از مسئله مهمی در خصوص متعه بیان می شود حداکثر مدت زمان آن می باشد به عبارتی مثلاً فردی که دارای ۳۰ سال سن می باشد می تواند ازدواج موقت به مدت ۹۹ سال انجام دهد؟! در این خصوص سه نظر وجود دارد: عده آن عقد موقت را باطل می دانند، عده ای دیگر قائل به صحت آن بوده و آن را عقد دائم می دانند و در نهایت عده ای قائل به صحت آن هستند. در این مقاله بعد از بیان ادله ازدواج موقت و اثبات آن، به بررسی اقوال ازدواج موقت طولانی مدت پرداخته شده که در نتیجه یافت می شود که شریعت از حیث قلت و کثرت تخمینی ندارد و ازواج موقت بلند مدت صحیح می باشد.

کلید واژه ها: نکاح، نکاح موقت، عقد موقت، ازدواج موقت، متعه

مقدمه

مسأله نکاح یک امر عرفی عقلایی است که شارع آن را امضا کرده تا با قرار دادن زوجیت در نوع انسانی و با حاکم کردن مودت و رحمت بین آنها برنامه‌ای جامع و کامل جهت تنظیم روابط بین دو جنس زن و مرد وضع کرد. از جمله این برنامه‌ها، حکم نکاح است که در شرع مذهب شیعه علاوه بر عقد و ازدواج دائم نوع دیگری از ازدواج هم به نام عقد موقت وجود دارد، همان طور که از اسمش پیداست برای مدت زمان مشخص است. صیغه موقت به این معنی است که زن و مردی که با هم موقتاً ازدواج می‌کنند، فقط تا زمانی که مدت عقد تمام نشده است، با هم زن و شوهرند. بعد از تمام شدن مدت دیگر زن و شوهر نیستند اما در خصوص «عقد موقت طولانی مدت» که یکی از انواع صیغه موقت است زمان عقد موقت طولانی‌تری نسبت به سایر صیغه‌های موقت عادی دارد. به عبارتی صیغه‌های موقت زمان کوتاهی ده روز یا چند ماه دارند در حالی که زمان صیغه محرمیت در عقد موقت طولانی مدت، طولانی بوده مثلاً ۹۹ سال می‌باشد. همچنین صیغه بلند مدت را ازدواج انعطاف‌پذیر نامیده‌اند. از این نوع صیغه معمولاً برای افرادی استفاده می‌شود که دین یکسانی ندارند و نمی‌توانند عقد دائم داشته باشند.

اما محل بحث بر سر می‌باشد که اگر مقدار زمان صیغه طولانی مثلاً نود و نه سال تعیین شود، آیا به آن همچنان عقد موقت می‌گویند یا نه؟ که در این خصوص چهار قول وجود دارد به این ترتیب که بعضی‌ها آن را باطل می‌دانند، بعضیها آن را تبدیل به دائم می‌دانند و عده‌ای هم می‌گویند عقد موقت بوده و صحیح است. بنابراین شایسته است این موضوع مورد بررسی قرار بگیرد تا از این طریق حکم و ادله هر یک از اقوال در مسئله مشخص شده و بالتبع احکام آن از جمله مهریه، نفقه و ... مشخص شود. به همین منظور در این مقاله ابتدا ادله عقد موقت به صورت مختصر مورد بررسی قرار بگیرد تا بعد از آن به بررسی هر یک از اقوال بیان شده، پرداخت شود.

متعہ در لغت

متعہ واژه‌ای عربی از ماده «م ت ع» و این ماده به معنای منفعت و لذت بردن از چیزی است. بدین ترتیب، استمتاع از باب استفعال به معنای طلب کردن و پی‌جستن منفعت و لذت است (مصطفوی، ج ۱۱، ص ۱۴). ازدواج با زنی که نمی‌خواهی به صورت دائم نگه داری (ابن منظور، ج ۸، ص ۳۲۹) و یا به معنای عقد موقت (فیومی، ج ۲، ص ۵۶۲) علامه طبرسی می‌فرماید به معنای بهره برده و سود کشیدن است. (طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۵). همچنین این

واژه را لغویون در معنای لذت بردن در مدت طولانی از چیزی لذت بردن یا برخوردار شدن و یا طلب سود و نفع (طریحی، ج ۲، ص ۳۸۹-۳۹۱) به کار برده و معرفی نموده اند. براساس تدبیر در قرآن می توان گفت که لفظ متعه در لغت معنای متفاوتی دارد، که از مشتقات این کلمه در قرآن کریم این تعدد به خوبی دریافت می شود. لذا گاه به معنای منفعت و زینت زندگی دنیا آمده مانند: «متاع الحیاء الدنیا» (آل عمران، ۱۴)، گاه به معنای زاد و توشه وارد شده مانند «متاعاً لکم و للسیاره» (مائده، ۹۶)، گاه بهره مندی از تمامی مواهب زندگی آمده مانند: «و امم سنمتعهم ثم یمسهم منا عذاب الیم» (هود، ۴۸)، گاه به معنای نفقه آمده «و للمطلقات متاع بالمعروف حقاً علی المتقین» (بقره، ۲۴۱) و در بعضی از موارد به معنای عطا و بخشش آمده «فمتعوهن و سرحوهن سراحاً جمیلاً» (احزاب، ۴۹) و اما در آیه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء، ۲۴) به توجه به صدر و ذیل آیه معنای ازدواج موقت می باشد به عبارتی «ما» در «فَمَا» موصول و ضمیر «به» راجع بآن است یعنی زنی از زنان که مورد استمتاع شما واقع گردید اجرت آنها را بطور معین بدهید.

متعه در اصطلاح فقهی

ابن زهره در کتاب النکاح مطرح می کند: «بعضی از لفظ استمتاع که در عرف به معنای نکاح منقطع است چنین استفاده کرده اند که بنای شارع بر این بوده است که احکام را مطابق فهم متعارف مردم بیان کند؛ و در صورت عدم قرینه بر خلاف برای فهم الفاظ شرعی مثل بیع، ربا معنای عرفی متشرعه معیار است از این رو لفظ استمتاع نیز باید بر معنای عرف شرعی حمل گردد که ازواج موقت می باشد» (ابن زهره، ۱۸/۲۸۳) ازدواج موقت، نکاحی است که همه ارکان عقد دائم و آثار آن را داراست و فرق آن با عقد دائم در ذکر مدت و بعضی از احکام مانند عدم نفقه و ارث و مانند آن می باشد. (کتاب النکاح (مکارم)؛ ج ۵، ص: ۸) و یا عبارت است از اینکه زنی عاقل و آزاد خودش را در مقابل مهریه مشخص (در ضمن عقد) برای مدتی به ازدواج مردی در آورد بدون اینکه هیچ مانع نسبی و سببی و موانع دیگر وجود داشته باشد (شیخ طوسی، ج ۴، ص ۳۴۰) که با اتمام زمان ازدواج یا بخشیدن باقی آن از سوی مرد عقد، نکاح بدون طلاق پایان می پذیرد (المتعه، ج ۱، ص ۲۹) علمای متقدم نظیر شیخ صدوق، قاضی ابن براج، ابن ادریس حلی و نیز معاصرانی نظیر آیت الله خویی، امام خمینی، آیت الله گلپایگانی و سید علی میلانی و ... نیز متعه را چنین تعریف نموده اند. (الهدایه ص ۲۶۵ المذهب، ج ۲، ص ۲۴۰؛

السرائر، ج ۲، ص ۵۵۰؛ منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۷۲ توضیح المسائل، ص ۳۲۸؛ کلمة التقوی، ج ۷، ص ۲۷۸؛ هدیة العباد، ج ۲، ص ۳۵۰؛ المتعة ص ۱۱) علمای فریقین اتفاق نظر دارند.

متعه در اصطلاح حقوقی

در اصطلاح حقوقی، نکاحی منقطع است که برای مدت محدودی واقع شده باشد. چنانکه ماده «۱۰۷۵» ق. م میگوید: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد» اصطلاح حقوقی از معنی لغوی دور نیفتاده است، زیرا مدت در نکاح مزبور موقت و مقطوع میباشد و باین اعتبار نکاح منقطع نامیده میشود. نکاح مزبور را نکاح متعه نیز میگویند، زیرا نکاح منقطع بمنظور بهره‌مند شدن از زن واقع میشود. (حقوق مدنی (امامی)؛ ج ۵، ص: ۹۹)، کاشف الغطاء این گونه بیان می کند که ازدواج موقتی که در عوام به نام «صیغه» مشهور شده از نظر قوانین اسلامی یک نوع قرارداد ازدواج است که با ازدواج «دائم» (ازدواج های معمولی) هیچ گونه فرقی جز در مسئله «محدود بودن مدت» ندارد. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۳۰)

مبنای مشروعیت نکاح موقت

از مسائل غیر قابل انکاری در فقه اصل نکاح متعه (ازدواج موقت) می باشد که از طرف شخص پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) تشریح و تجویز شده و جمعی از اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مانند عبدالله بن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، عمران بن حصین، عبدالله بن مسعود، اَبی بن کعب و امثال آنها، در زمان حیات آن حضرت و بعد از رحلت او از این قانون استفاده کرده اند و فتوا به جواز «متعه» داده اند (المتقی الهندی، ۱۴۰۱ ق، ج ۵، ص ۲۶۴) اما ازدواج موقت از به دستور خلیفه دوم ممنوع شده و حکم آن را نسخ اعلام نمود در حالی که شیعیان این حکم منسوخ ندانسته و آن را مشروع می دانند و اثبات آن به ادله زیر استناد می کنند:

الف) اطلاق ادله نکاح

از طریق اطلاق ادله نکاح می توان حکمه صحت ازدواج موقت داد، به عنوان مثال وقتی آیه می فرماید: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ» انکحوا اطلاق دارد و شامل نکاح دائم و موقت می شود و یا وقتی روایت می فرماید: «تناکحوا تناسلوا...» و یا «النکاح سنتی...» به همه این اطلاق و عمومات می توان استدلال نمود و ازدواج موقت را ثابت کرد.

ب) آیه شریفه استمتاع

آیه که قائلان به جواز نکاح متعه به آن استدلال نموده اند، آیه ۲۳ سوره نساء است. «وَأَحَلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء، ۲۴). در دلالت این آیه بر مقصود چهار وجه ذکر شده است:

۱) **دلالت کلمه «استمتاع»:** در عرف شرع به معنای عقد موقت است (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۵۲؛ ابن زهره، به نقل از مروارید ۱۴۱۰ق: ج ۱۸، ص ۲۸۳). مخصوصاً اگر این لفظ به کلمه «نساء» اضافه شده باشد. براین اساس معنای آیه این می شود که: هرگاه زنی را عقد متعه کردید، مهریه او را پرداخت نمایید. (مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۲، چاپ صیدا).

۲) **دلالت کلمه «أجورهن»:** کلمه «أجورهن» بر ازدواج موقت دلالت می کند؛ زیرا در نکاح دائم أجری نیست، بلکه فقط مهر و صداق وجود دارد (ابن زهره، به نقل از مروارید ۱۴۱۰ق: ج ۱۸، ص ۲۴۸). از طرفی اگر نکاحی به اجل و مهر مشروط شود بی شک متعه گویند. (تفسیر اثنا عشری، ج ۲، ص: ۳۹۳) پس اجر در مورد متعه استعمال می شود. (اطیب البیان، ج ۵، ص ۵۲)

۳) **دلالت کلمه «فریضه»:** دیگر کلمه (فریضه) زیرا در عقد دائم مهر بمجرد عقد لازم نمیشود چنانچه قبل از دخول باشد نصف مستقر میگردد ولی در متعه بمجرد عقد تمام مستقر میشود و لو دخولی هم نباشد. (اطیب البیان، ج ۵، ص ۵۲)

۴) **قرائت دیگر از آیه:** شاهد دیگر اینکه بر اساس قرائت دیگری آیه شریفه چنین قرائت می شود: «فما استمتعتم به منهن إلی أجل مسمى» بر اساس این، قرائت قید اجل مسمى اضافه شده است که به معنای نکاح موقت می باشد چون در نکاح دائم ذکر مدت معنا ندارد. (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۵۲)

در جمع بندی آیه شیخ مفید می فرماید: پس قرآن حکیم درباره حلیت نکاح متعه به صراحت سخن گفته است (مفید، ۱۴۱۴، ص ۳۵). بزرگانی همانند سید مرتضی (انصاری (راستل المرتضی)، ج ۱، ص ۲۳۷)، شیخ طوسی (الخلاف، ج ۴، ص ۳۴۱)، مقدس اردبیلی (زبد البیان، ج ۲، ص ۷۵)، ملافتح الله کاشانی (زبد النفاسیر، ج ۱،

ص ۴۳)، سید هاشم عبرانی (البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۵)، علامه بلاغی (علامه بلاغی، ۱۳۷۳، ص ۳۱۳)، علامه طباطبایی (المیزان، ج ۴، ص ۲۷۲ و ۲۷۱) و ... برای حلیت نکاح متعه به این آیه استدلال نموده اند.

ج) نکاح موقت در سنت

سومین دلیل که قائلین به عقد موقت به آن تمسک کرده اند، روایاتی از معصومان راجع به جواز و حلیت نکاح متعه است که آیت الله خوئی در این باب می گوید «کثرت روایات و احادیث درباره تشریح متعه و حلال بودن ازدواج موقت و عمل صحابه به آن در زمان حضور پیامبر اکرم و پس از آن ما را از زحمت اثبات حلال بودن آن و به درازا کشاندن سخن بی نیاز ساخته است. (خوئی، ۱۳۷۳، ص ۳۱۳) از علمای شیعه، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴) در کتاب وسائل الشیعه، ۱۳۴ روایت در ۴۶ باب برای نکاح متعه نقل کرده که در این صورت، ادعای تواتر آنها بعید نیست. علاوه بر منابع شیعی، در منابع و کتب حدیثی اهل سنت نیز روایات متعددی در جواز و حلیت متعه وارد شده است (نیشابوری، ج ۲، ص ۱۰۲۳. حمیدی، ج ۲، ص ۳۹۹-۳۹۸. بیهقی، ج ۷، ص ۳۸۸. أبو عوانه، ج ۳، ص ۳۳. صنعانی، ج ۷، ص ۵۰۰. بیهقی، ج ۱۰، ص ۲۱۶. ابن عبدالبر، ج ۱۰، ص ۱۱۲. عظیم آبادی، ج ۱۰، ص ۳۴۹). مثلاً جابر بن عبدالله انصاری می گوید: ما در زمان رسول خدا و ابوبکر در مقابل یک مشت خرما یا آرد متعه می کردیم. تا اینکه عمر در قضیه عمرو بن حریث از آن نهی کرد (احمد بن حنبل، ج ۲۲، ص ۸۹) و نیز روایات دیگری که از کسانی مانند ابوسعید خدری (احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۲)، مسلم قرشی (وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۲)، ابی حریم (شیخ طوسی، ج ۳، ص ۱۴۲) و ... نقل شده، به وضوح بیانگر تشریح نکاح متعه در صدر اسلام است. امام رضا راجع به نکاح متعه می فرماید: رسول خدا نکاح متعه را حلال نمود و تا لحظه رحلتش نیز آن را حرام نفرمود» (حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۲۱، ص ۸)

د) اجماع

دلیل دیگری که برای اثبات حلیت نکاح متعه اقامه شده اجماع است. چنانکه ابن ادریس از فقیهان نامی قرن پنجم در کتاب السرائر الحاوی، (۲۱۶) آورده است: «النکاح المؤجل مباح فی شریعة الاسلام مأذون فیه، مشروع بالکتاب و السنه المتواتره باجماع المسلمین» یعنی «نکاح موقت در شریعت اسلام حلال و مجاز است و مشروعیتش به وسیله کتاب سنت متواتر و اجماع مسلمانان ثابت گردیده است» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۱۸). مرحوم کاشف الغطا نیز مشروعیت نکاح متعه را به اجماع بلکه به ضرورت می داند. (کاشف الغطاء، ص ۳۲)

ه) استصحاب عدم نسخ

به موجب این قاعده در صورت شک در نسخ حکمی، استصحاب عدم نسخ و ابقای حکم پیشین می شود و مکلف موظف به حمل بر جواز و مشروعیت آن می باشند و با توجه به اعتراف اهل سنت به مشروعیت نکاح موقت در زمان پیامبر (ص) و اضطراب و تشویشی که در روایات اهل سنت بر تحریم یا نسخ حلیت ازدواج موقت بعد از پیامبر (ص) وجود دارد، می توان براساس این اصل حکم به عدم نسخ آن داد و صحت ازدواج موقت را ثابت کرد.

در نتیجه می توان گفت براساس قرآن، سنت، اجماع و قواعد فقهی ازدواج موقت صحیح بوده و نسخی صورت نگرفته است. همچنین می توان از مجموعه ادله نتیجه گرفت که شریعت از حیث قلت و کثرت تخمینی ندارد، که در ادله این مسئله مورد بررسی قرار می گیرد.

ارکان ازدواج موقت

با توجه به مباحثی مطرح شده، ازدواج موقت ثابت شد اما سوالی که مطرح است اینکه آیا عقد موقت طولانی مدت براساس ادله گفته شده ثابت می شود یا نه؟! آیا اطلاق ادله نسبت به آن انصراف داشته و یا حکم آن مشمول اطلاق صحت عقد موقت می شود. براساس کتب فقهی عقد موقت دارای چهار رکن است: ۱- صیغه، ۲- محلّ زوجین واجدین للشرائط، ۳- أجل (مدّت)، ۴- مهر. (کتاب النکاح (مکارم)؛ ج ۵، ص: ۳۰) که هر یک از این ارکان دارای مباحثی مفصلی می باشد که در این مقاله فقط به زمان و طولانی بودن آن می پردازیم:

از آنجا که تفاوت اصلی بین عقد دائم با عقد موقت لزوم ذکر مدت برای عقد موقت است (عاملی جیعی ۱۴۱۳: ۷/۴۴۷). زیرا عقد موقت چهار رکن دارد که یکی از این ارکان ذکر مدت است (حلی، ۱۴۰۸: ۲/۴۲۸). این مطلب محل اجماع فقها است. نجفی میگوید هم اجماع منقول و هم اجماع محصل در این زمینه وجود دارد (نجفی ۱۴۰۴: ۳۰/۱۷۲). ماهیت عقد متعه یعنی ماهیت عقد متعه اقتضا می کند ذکر اجل را، چرا که موقت است. روایات متعدّد که در پنج باب (۱۷ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۵) آمده است که یا به دلالت مطابقی یا التزامی دلالت می کند که ذکر اجل لازم است. مثلاً زراره عن ابي عبد الله عليه السلام قال: لا تكون متعه الا بأمرين أجل مسمی و أجر مسمی (ح ۱، باب ۱۷ از ابواب متعه). در نتیجه باید گفت در عقد متعه ذکر اجل لازم است.

قانون مدنی با تاکید بر لزوم تعیین مدت در نکاح موقت، در ماده ۱۰۷۶ ق.م. مقرر می کند: « مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود». بر طبق این ماده علم تفصیلی نسبت به مدت نکاح موقت لازم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۲۰)؛ یعنی مدت باید طوری باشد که هیچ گونه ابهامی نداشته باشد و ابتدا و انتهای مدت نکاح موقت کاملاً معین باشد؛ حتی اگر کم باشد مانند یک روز یا یک ساعت یا مدت نکاح موقت طولانی باشد مانند سی و چهل سال (گنجی، ۱۳۸۴: ۷۹).

اقسام ازدواج موقت

ازدواج موقت براساس «میزان مدت» آن به دو قسم، کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم کرد. تا به اینجا مختصری در مورد ازدواج موقت کوتاه مدت گفته شد که بین علماء شیعه در خصوص صحت آن هیچ اختلاف نظری نمی باشد. اما زمانی که مدت ازدواج موقت طولانی باشد یعنی هر ازدواج موقتی که عرفاً بخش عمده ای از عمر زوجین را در بر بگیرد یا زمان عقد موقت بر عمر آنها غلبه کند، عقد موقت طولانی مدت محسوب می گردد. لازم به ذکر است که باید بر اساس میزان و معیار عمر انسان متعارف و معمولی طولانی و کوتاه بودن مدت را سنجیده شود.

بررسی حکم نکاح موقت ۹۹ ساله

با توجه به اینکه شارع در مورد حداکثر مدت در نکاح موقت، ضابطه ای تعیین نکرده است، این سوال مطرح می شود که تعیین مدت در نکاح موقت تا چه میزان تحت حاکمیت اراده طرفین قرار دارد؟ آیا طولانی شدن آن مدت برماهیت آن اثر دارد یا نه؟

تعیین مدت در نکاح منقطع لازم و ضروری است به نحوی که اگر مدت در نکاح منقطع ذکر نشود، بی شک عقد به صورت موقت واقع نخواهد شد اما اینکه آیا چنین عقد نکاحی اساساً باطل است یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد (محقق داماد ۱۳۸۵: ۲۱۶. لطفی، ۱۳۸۸: ۳۲. مدنی ۱۳۸۵، ۱۸۷- ۱۸۶) بنا بر قول گروهی از فقهای امامیه نکاح به صورت دائم واقع خواهد شد (طوسی ۱۴۰۷: ۳۴۰؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۴۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۲؛ الموسوی الخمینی بی تا ۲۹۰)؛ زیرا لفظ ایجاب می تواند مفید نکاح دائم یا منقطع باشد و فقط ذکر مدت است که آن را به متعه اختصاص میدهد و اگر مدت ذکر نشده باشد برای عقد دائم خواهد بود. (صفایی و امامی، ۱۳۷۰، ۱۸؛ اسعدی ۱۳۸۷، ۱۳۱؛ جعفری لنگرودی ۱۳۷۶: ۱۱۹) بعضی از فقها بر این اعتقادند که اگر در عقد نکاح منقطع

مدت ذکر نشود، نکاح باطل است. (علامه حلی ۱۴۲۰، ۵۲۰؛ شهید ثانی ۱۴۱۰، ۲۸۷) زیرا هرگاه با قصد نکاح منقطع مدت را در عقد ذکر نکنند چون قصد به نکاح دائم تعلق نگرفته است نکاح نمی تواند به صورت دائم واقع شود، به تعبیر دیگر عقد تابع قصد است و در فرض ما قصد نکاح دائم منتفی است. (صفایی و امامی، ۱۳۷۰: ۱۸-۱۹؛ اسعدی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). نصوص و روایات نیز بر این امر تصریح دارند، از جمله زراره از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «متعّه واقع نمی شود مگر به دو امر مدت معین و اجرت معین». (شهید ثانی ۱۴۱۳، ۴۴۰؛ حر عاملی، ۱۴۱۸: ۳۴۹)

الف) بررسی فقهی صیغه ۹۹ ساله

با بررسی کتاب فقهی می توان گفت در این خصوص سه قول وجود دارد، که به صورت مجزا به بررسی هر یک می پردازیم:

قول اول: عقد موقت بلند مدت باطل است.

آیه الله سیستانی (دام ظلّه) (سیستانی، ص ۳۹۶) قائل به بطلان عقد موقت بلند مدت مثلاً متعه ۹۹ ساله هستند. آیه الله وحید خراسانی (دام ظلّه) در این خصوص فرموده اند: بنابر احتیاط واجب نباید زمان عقد موقت بیش از عمر زوجین یا یکی از آن دو باشد، و صحت عقد موقت، در فرض مذکور و تبدیل آن به عقد دائم محل اشکال است (خراسانی، ج ۳، ص ۳۰۶) چون منساق و متبادر از ادله این است که در عقد متعه باید اجل تعیین کرد، آن مدتی است که این عقد تا آن تاریخ باقی بوده، و عادتاً زوجین زنده باشند و بیش از آن مقدار خلاف تبادر است. به خصوص اینکه در روایات، متعه به اجاره تشبیه شده است. در اجاره انسان نمی تواند برای مدتی اجیر شود که می داند تا آن هنگام زنده نمی ماند و اینها معاملات سفهی است. همچنین اگر فرضاً هم بپذیریم که مدت بسیار طولانی مثل هزار سال هم می تواند اجل قرار گیرد ولی مسأله تقسیط همچنان که در روایات آمده که اگر مقداری از مدت کسر شد مهر هم تقسیط می شود بلا اشکال در اینجا نمی آید چون حبس منفعت که لازمه آن تقسیط مهر است در جایی است که تمکن از تمکین بوده باشد و او اختیاراً تمکین نکند و چنین تمکنی در اینجا محقق نیست (نجفی، ج ۳۰، ۱۷۵). البته شهید ثانی (عاملی (مسالك)،

ج ۷، ص ۴۷۹) و فاضل هندی (فاصل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۸۰) نسبت به صحت عقد موقت طولانی ادعای اجماع کرده اند (نجفی، ج ۳۰، ۱۷۵) که در پاسخ باید گفت وجود چنین اجماع صحیح نمی باشد، زیرا اولاً:

اجماعی در مسأله نیست، چون قبل از شهید ثانی کلمات سابقین به همان تعبیری است که در روایات آمده که اجل به کم و زیاد محدود نمی باشد و نمی توان ادعا نمود که فروض غیر عرفی هم مورد نظرشان بوده تا بر آنها ادعای اجماع شود و بر این اساس اولین بار صاحب مسالک، شمول این موارد را ادعا نموده، و دیگران نیز از او نقل کرده اند.

به علاوه: اگر صغرویا هم اصل اجماع را بپذیریم کبرویا درست نمی باشد. چون اجماعی مورد قبول است که به امام معصوم متصل باشد و در اموری که مورد ابتلاء نیست نمی توان ادعا کرد که هیچ مخالفی وجود ندارد و اینکه «لو کان لبان». امام نیز با علم عادی به امور نادره و غیر محل ابتلاء توجه نمی کنند و موظف هم نمی باشند که از این گونه امور ردع کنند و اگر نهی هم کرده باشند ملازم با این نیست که این نهی به ما هم رسیده باشد تا از نیافتن نهی، استتاج عدم ردع گردد. (زنجان، ۱۴۱۹، ۲۵ جلد، ص ۶۱۷۳)

قول دوم: عقد موقت بلند مدت صحت است اما تبدیل به نکاح دائم می شود.

آیه الله خوئی (استفتائات، ص ۲۹۲، س ۹۸۹)، آیه الله مکارم شیرازی (استفتائات جدید، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲۶، س ۷۶۸ و ج ۲، ص ۳۴۴ و ۳۴۵، س ۱۰۰۸ و ۱۰۱۰) و آیه الله نوری همدانی (متخب المسائل، ۱۴۲۰ هـ ق، ص ۳۱۶، م ۱۰۱۱) می فرمایند: در احکام، ملحق به عقد دائم است بنابراین مردانی که برای فرار از زیر بار رفتن وظایف عقد دائم، صیغه موقت ۹۹ ساله جاری می کنند فایده ای برای آنها ندارد. چون با رجوع به ادله در می یابیم که آنها از نظر قلت و کثرت انصراف دارند از جایی که تمام عمر بلکه بیش از آن را شامل شود و اگر کسی چنین عقدی بخواند به دلیل انصراف عقد دائم است. زیرا روایات متعدده اکثراً دارای واژه «ایام» بوده و فقط یکی روایت دارای واژه «شهر» و دو روایت دارای واژه «سنه» است. «فإنی استحبی أن أذكر شرط الايام...» (ح ۲، باب ۲۰ از ابواب متعه)، «... عن عمر بن حنظله عن أبي عبد الله عليه السلام قال: يشارطها ما شاء من الأيام». (ح ۴، باب

۲۱، از ابواب متعه)، «... آیاماً معدوده بشیء مسمی ...» (ح ۳، باب ۲۰ از ابواب متعه) علاوه بر این روایات، در کیفیت اجرای صیغه متعه در غالب روایات «کذا و کذا یوماً بکذا و کذا درهماً» (ح ۲، باب ۱۸ از ابواب متعه) دارد و فقط یک روایت «کذا و کذا شهرأ» (ح ۶، باب ۱۸ از ابواب متعه) است و دو روایت هم «سنه» می‌فرماید (ح ۱، باب ۲۵ و ح ۱، باب ۱۸ از ابواب متعه). بنابراین اکثریت روایات یوماً او ایام دارد و قلیلی از روایات شهر و سنه دارد. با توجه به این که اکثریت قاطع روایات یوماً و ایام و شهرأ دارد و طبیعت عقد متعه برای ایام محدود است، اگر اطلاقی هم باشد منصرف به آن است، پس اگر مثلاً برای ۹۹ سال عقد متعه کنند منصرف به دوام است.

از آنجا که در روایتی از امام صادق (ع) متعه به اجازه تشبیه شده است «تزوج منهن ألفا فإنما هن مستأجرات» (الکافی ج ۵ ص ۴۵۲ ح ۷) می‌توان گفته همانطور که در باب اجیر گفته شده امکان اجیر کردن کسی به اندازه ۹۹ سال صحیح نیست، به تبع آن، در ما نحن هم درست نیست، علاوه بر این اگر بخواهند مهر را توزیع کنند بر مقداری از زمان را که وفا کرده و مقداری را که وفا نکرده، مهر را برای زمان بعد از مرگ توزیع نمی‌کنند. اگر متعه طویل المده باشد، مثلاً پنجاه سال که احتمال زنده ماندن دارد در اینجا هم شبهه داریم پس می‌گوییم، جای احتیاط است و لو تا آخر عمر هم نباشد. (مکارم، ج ۲، ص: ۳۴۵) در مواردی برخی از فقها با ملاحظه اراده باطنی متعقدین، حکم به دوام نکاح موقت طولانی مدت مثلاً نودونه ساله داده اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۴۵-۳۴۴) و از طرفی باید در عرصه عملی و مصالح اجتماعی را در نظر گرفت و راه را بر مردانی که برای فرار از زیر بار رفتن وظایف عقد دائم، صیغه بلند مدت را انتخاب می‌کنند، بست. پس با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان گفت نکاح موقت بلند مدت صحت بوده و تبدیل به نکاح دائم می‌شود و باید احکام نکاح دائم را رعایت نمود.

قول سوم: عقد موقت بلند مدت صحیح است «قول حق»

در مسالک (عاملی (مسالک)، ج ۷، ص ۴۷۹)، کشف اللثام (فاصل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۸۰)، نهایه المرام (عاملی؛ ج ۱، ص: ۲۳۹)، فقه کامل فارسی (علامه مجلسی، ص ۱۴۷)، حدائق الناظره (بحرانی؛ ج ۲۴، ص: ۱۳۸) و امام خمینی (استفتانات، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۴۴. تحریر الوسیله، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۹۰) و آیه الله سبحانی (رساله توضیح المسائل (سبحانی)؛ ص: ۴۴۵) آمده است: منتهای اجل متعه هیچ محدودیتی ندارد، هر چند زمان را آن قدر طولانی قرار دهد که عادتاً کسی به آن مقدار عمر نمی‌کند. حتی اگر قطع هم داشته باشد که تا آن وقت زنده

نمی‌ماند اشکالی ندارد و عقد صحیح است. همچنین اکثر فقهای امامیه در بحث لزوم تعیین اجل در نکاح منقطع درباره حد اکثر مدت سکوت کرده اند (خوانساری، ۱۴۰۵؛ طوسی، ۱۴۰۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۲۲۷) به عبارت دیگر فقهای امامیه برای تعیین حد اکثر مدت در نکاح موقت محدودیتی قائل نشده اند، برخی از فقهای امامیه به این نکته اشاره کرده اند که تعیین مدت در نکاح موقت از نظر کمیت به اراده و تراضی متعاقدین بستگی دارد. (بهجت فومنی، گیلانی ۱۴۲۶؛ ج ۴، ص ۱۰. بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۳۸) و آیه الله صافی گلپایگانی (هدایه العباد، ۱۴۱۶، هـ ق، ج ۲، ص ۴۴۵، م ۹) و آیه الله فاضل لنکرانی (کتاب الاحکام الواضحه، ص ۳۸۷) این نکته را اضافه نموده و می‌فرمایند: هر مقدار که به سفاهت نرسد ازدواج موقت صحیح است. میرزای قمی می‌فرماید ظاهر کلام فقهاء بر اینکه مسئله اجماعی است و به مقتضای عمومات هم صحیح می‌باشد و مانعی از برای آن نیست به غیر احتمال مرگ قبل از تمام شدن و این مضر نیست با وجود تراضی طرفین» (میرزای قمی، ۱۴۱۳؛ ۴۳۶). پس شریعت از حیث قلت و کثرت تخمینی ندارد (کتاب النکاح (للأراکی)؛ ص: ۳۸۷)

زیرا:

اولاً: اصل بر جواز و اباحه است و منع انصراف ادله به اینکه عمر زوجین باید تا آن زمان باقی باشد بلکه مقتضی عموم در احادیث ازدواج موقت صحت آن بوده و ممنوعیتی را برای اینکه انعقاد نکاح موقت به صورت طویل‌المدت وجود ندارد، بیان نمی‌کند. لذا صرف طولانی شدن مدت وضعیت و ماهیت عقد را تغییر نداده تا حکم به عدم صحت آن شود.

ثانیاً: از نظر فقهی نکاح منقطع از حیث ساختمان شباهت باجاره اشخاص دارد (امامی؛ ج ۵، ص: ۱۰۴) اما از مصادیق اجاره نیست، به عبارتی طبق تصریح فقهای ما اگر صیغه عقد متعه را به لفظ اجاره بخوانند یعنی زن بگوید اجرتک نفسی (خودم را به تو اجاره دادم...) باطل است، و از این موضوع به خوبی روشن می‌شود که روح عقد ازدواج موقت با روح اجاره کاملاً مبیانت دارد به دلیل اینکه اجرای عقد با لفظ اجاره قطعاً باطل است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۷) و وجود یک شباهت را نمی‌توان به عنوان دلیل حساب نمود.

ثالثاً: تبعیت عقود از قصود یعنی فقدان قصد طرفین برای نکاح دائم و ادله تبعیت عقود از قصود بین فقها مجمع علیه بوده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳/۱۴۲). لذا بعد از مسئله تبدیل نکاح موقت به دائم و نیز چند مسئله دیگر که در ظاهر مخالف قاعده فوق هستند. (انصاری، ۱۴۱۵: ۳/۴۳) از همین رو آقای خویی می فرماید «نکاح دائم صورت نمی گیرد، چون قصدی برای آن وجود نداشته است (موسوی خویی، بی تا الف: ۲/۱۰۹) بنابراین در صورتی که کلام ظاهری طرفین حاکی از آن باشد که آنها نکاح موقت را قصد کرده اند؛ باید عقد را مطابق با مقصود واقعی متعاقدين تفسیر کرد. به عبارتی نخستین وسیله ابراز اراده که در عین حال وسیله کشف اراده طرفین عقد نیز به شمار می رود، لفظ است. (شهیدی ۱۳۸۵: ۲۹۶-۲۹۷)

رابعاً: «استصحاب محقق نشدن نکاح دائم» یعنی استصحاب محقق نشدن نکاح دائم مقتضی آن است که در هنگام شک در تحقق نکاح دائم اصل بر محقق نشدن آن باشد و با توجه به اینکه عاقد قصد نکاح دائم را در فرض بحث ما نداشته است، شک در تحقق نکاح دائم جدی خواهد بود ممکن است گفته شود این اصل مربوط به جایی است که دلیلی برخلافش نباشد و در بحث ما سه روایت وجود دارد و لذا نوبت به اصل نمی رسد؛ در جواب گفته میشود وقتی دلیل اول از جهت دلالت و دلیل دوم و سوم از جهت سند دچار اشکال بود، رجوع به اصل مانعی ندارد. گرچه این استصحاب در ناحیه شبهه حکمیه جاری می شود اما حتی طبق مبنای آقای خویی که استصحاب در جعل را قبول ندارد، استصحاب عدم ازلی در ناحیه شبهات حکمیه پذیرفته می شود (موسوی خویی، ۱۴۲۲، ۲/۴۲) و این استصحاب از قبیل عدم ازلی است.

خامساً: شمول ادله «لا ضرر» و «لا غرر» می شود به این بیان که نکاح دائم هم برای زوج و هم برای زوجه مسئولیتهایی دارد مثلاً برای زوج مسئولیت نفقه طلاق در طهر را به همراه دارد و نیز وجود دو شاهد برای طلاق لازم است و برای زوجه جدایی و طلاق امکان ندارد در حالی که چه بسا طبق قرار قبلی ممکن بود این نکاح موقت مثلاً به بیش از چند روز کشیده نشود. حال وقتی نکاح دائم صورت بگیرد برای زوجه جدایی از شوهر امکان ندارد. بنابراین، ممکن است هم برای زوج و هم برای زوجه ضررهایی داشته باشد، چنان که در روایت ابان بن تغلب امام فرموده است «هو اضر علیک» بنابراین طبق ادله «لا ضرر» (کلینی ۱۴۰۷: ۵/۲۹۳) میتوان گفت تبدیل نکاح موقت به دائم دچار اشکال است.

سادساً: در ابتدا ممکن است این ایده به ذهن خطور نماید که هر چند از سوی شارع و قانون گذار، صریحاً محدودیتی از حیث تعیین حداکثر مدت نکاح موقت مقرر نشده است اما با لحاظ عمر متعارف، آدمی چنانچه مدت نکاح موقت چندان طولانی باشد که از مدت عمر متعارف یک انسان فراتر باشد مانند اینکه زن و مردی حدوداً سی ساله نکاح موقت برای مدت نودونه سال منعقد نمایند باید چنین عقدی را حمل بر نکاح دائم نمایند. این ایده ممکن است در ابتدا تا حدی قابل تأمل به نظر آید اما در نهایت مردود خواهد بود زیرا نکاح موقت نهادی مشروع و قانونی برای همه اشخاص است که دلیل قانونی یا شرعی برای تحدید مدت آن به زمان مشخص وجود ندارد؛ به علاوه، اشخاص در توسل به نکاح دائم یا موقت از آزادی عمل برخوردارند و نمیتوان موجهی برای الزام ایشان به انعقاد نکاح دائم معرفی نمود هر چند که مطلوبیت انعقاد نکاح دائم در راستای تشکیل خانواده و استواری بنیان اجتماع امری مسلم و مفروغ عنه میباشد.

سابعاً: به عنوان وجه تایید می توان گفت براساس تعریفی که از متعه می شود مشمول این نوع از عقد صیغه می شود و ادله آن را در بر می گیرد.

به طور کلی براساس ادله ای که بیان شد باید گفت طولانی شدن مدت در نکاح موقت، فی نفسه باعث تغییر در ماهیت آن نمی شود و عقد موقت طولانی مدت صحیح می باشد.

(ب) بررسی حقوقی صیغه ۹۹ ساله

با توجه به اینکه چندین ماده قانون مدنی که صراحتاً از نکاح منقطع نام برده است که عبارتند از مواد (۱۰۷۵ - ۱۰۹۶ - ۱۰۹۵ - ۱۰۷۷ - ۱۰۷۶ - ۱۱۳۹ - ۱۱۲۰ - ۱۰۹۸ - ۱۰۹۷ - ۱۱۵۲ - ۹۹۳ - ۱۰۴۸) اما به طور کلی راجع به حداکثر مدت در مدت نکاح موقت بحث نکرده اند. مخصوصاً در ماده ۱۰۷۶ ق.م. مقرر می کند: « مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود». بر طبق این ماده علم تفصیلی نسبت به مدت نکاح موقت لازم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۲۰)؛ لیکن قانون مدنی درباره حداکثر مدت در نکاح موقت هیچ نصی ندارد. با توجه به سکوت قانونگذار راجع به نحوه تعیین مدت در نکاح موقت، حقوقدانان کمتر به این بحث پرداخته اند.

در قانون مدنی ایران دو نوع عقد ازدواج به رسمیت شناخته شده است عقد دائم و عقد موقت. عقد دائم دارای شرایطی می باشد، از جمله این که همانطور که از عنوان آن پیدا می باشد این عقد بصورت دائمی منعقد می گردد

و مدتی برای آن مقصور نمی باشد. این در حالی است که در عقد موقت که قانونگذار در قانون مدنی از آن تحت عنوان «نکاح منقطع» یاد می کند مدت یکی از شرایط اصلی آن می باشد به طوری که قانونگذار در ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی مقرر داشته «نکاح وقتی منقطع می باشد که برای مدت معینی واقع شده باشد» و دوبار قانون گذار در ماده ۱۰۷۶ تأکید می کند که مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود با این اوصاف معلوم می گردد که زمان یکی از ارکان اساسی عقد موقت می شود. پس ذکر مدت در هنگام خواندن صیغه عقد موقت الزامی است چه این مدت برای چند ساعت باشد یا برای چندین سال باشد. همچنین براساس ماده ۱۰۷۶ «مدت» باید طوری باشد که هیچ گونه ابهامی نداشته باشد و ابتدا و انتهای مدت ازدواج موقت کاملاً معین باشد. پس در قانون حرفی در مورد منع صیغه نود و نه ساله نیست و همانطور که از متن قانون پیدا است برای صحت این صیغه فقط باید مدت شروع و پایان آن کاملاً برای طرفین معلوم باشد که اطلاق عقد مقتضی این است که مدت بلافاصله پس از خواندن صیغه محرمیت شروع شود. اما در مورد اتمام مدت به خاطر اینکه گواهی عدم سازش دریافت کنند می توان چنین نتیجه گرفت که اگر ازدواج موقت طولانی عرفاً و عادتاً از عمر زوجین عدول کند بذل مدت کافی نیست باید صیغه طلاق نیز جاری شود. اما اگر ازدواج موقت طولانی عرفاً و عادتاً از عمر زوجین عدول نکند بذل مدت کافی است و صیغه طلاق لازم نیست. البته در مواردی که ثبت ازدواج موقت مطابق ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده الزامیست ثبت بذل مدت الزامی به نظر می رسد.

نتیجه گیری

هدف اساسی این پژوهش، بررسی ادله متعه می باشد تا از طریق آن مشروعیت ازدواج موقت بلند مدت را ثابت کند. با بررسی ادله متعه بدست آمد که طولانی شدن مدت به تنهایی نمی تواند ماهیت فقهی و حقوقی نکاح موقت را تغییر دهد. ازدواج موقت بلند مدت همان متعه می باشد که طبق احکام عملی آن زن حق ارث و نفقه از زوج خود ندارد. همچنین تعیین مهریه و زمان برای این عقد الزامی است.

منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰.
 ۲. ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بی جا، بی تا.
 ۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، التمهید لابن عبدالبر، مغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ۱۳۸۷ هـ
- ق
۴. أبو عوانة، یعقوب بن إسحاق، مسند ابی عوانة، قاهره: المكتبة السلفية، ۱۳۷۴ هـ ش.
 ۵. اراکی، محمد علی، کتاب النکاح (للأراکی)، در یک جلد، نور نگار، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ هـ ق
 ۶. اسعدی، سید حسن، خانواده و حقوق آن، چاپ تطبیقی در فقه، قانون مدنی ایران و قانون خارجی، چاپ اول. قم: بوستان کتاب قم. ۱۳۸۷ هـ ش.
 ۷. اصفهانی، مجلسی اول، محمد تقی، یک دوره فقه کامل فارسی، در یک جلد، تهران: مؤسسه و انتشارات، ایران، اول، ۱۴۰۰ هـ ق
 ۸. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ۶ جلد، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ هـ ش.
 ۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، الطبعة التاسعة. ۱۴۲۸ هـ ق.
 ۱۰. انصاری، مرتضی، رسائل المرتضی، قم: موسسه الامام الانصاری. هـ ش ۱۳۶۴.
 ۱۱. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۵ هـ ق.
 ۱۲. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: انوار الهدی، ۱۳۷۳.
 ۱۳. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. جلد ۲۴. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۰۵ هـ ق.
 ۱۴. بهجت فومنی، گیلانی محمدتقی، استفئات (بهجت) جلد ۴ چاپ اول قم دفتر حضرت آیت الله بهجت. ۱۴۲۸ هـ ق.
 ۱۵. بهجت فومنی، گیلانی محمدتقی، جامع المسائل (بهجت)، چاپ دوم قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت. ۱۴۲۸ هـ ق.
 ۱۶. بیهقی، أحمد بن حسین، سنن البيهقي الكبرى، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثالثة، ۱۴۲۴ هـ

۱۷. بیهقی، ابوبکر، معرفة السنن والآثار، دمشق: دار الوعي، ۱۴۱۲ هـ.
۱۸. تبریزی، جواد بن علی، بیتا، استفتائات جدید (تبریزی)، جلد ۲. چاپ اول. قم: (بینا)
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة فی أصول الأئمة. جلد ۲. چاپ اول قم مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام. ۱۴۱۸ هـ
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶.
۲۱. حلی، وحسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۳، قم: موسسه الامام الصادق. ۱۴۲۰ هـ
۲۲. حلی، حسن بن یوسف بن مهتر اسدی، تحیر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه، جلد ۳. چاپ اول. قم: موسسه امام صادق علیه السلام. ۱۴۲۰ هـ
۲۳. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم. ۱۴۰۸ هـ
۲۴. حمیدی، ابن ابی نصر، الجمع بین الصحیحین، لبنان: دار ابن حزم. ۱۴۲۳ هـ ق
۲۵. خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: انوار الهدی، ۱۳۷۳ هـ ش.
۲۶. خراسانی، وحید، منهاج الصالحین. قم: مدرسه الإمام باقر العلوم، ۱۳۸۶ هـ ش.
۲۷. خمینی، روح، تحریر الوسیله، کتا نکاح، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۹۲ هـ ش
۲۸. خمینی، سید روح الله موسوی، استفتاءات (امام خمینی)، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، پنجم، ۱۴۲۲ هـ ق.
۲۹. جعفری لنگرودی محمد جعفر حقوق خانواده، چاپ دوم. تهران: انتشارات گنج دانش. ۱۳۷۶ هـ ش.
۳۰. دیانی، عبدالرسول، ادله اثبات دعوا. تهران: انتشارات ققنوس. ۱۳۸۵ هـ ش.
۳۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، نوادر ترجمه محاورات الدب، ترجمه محمد صالح قزوینی، قم: بیجا. ۱۳۶۲ هـ ش.
۳۲. زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح (زنجانی)، ۲۵ جلد، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ هـ ق.
۳۳. سیستانی، سید علی، کتاب المسائل المنتخبه، قم: مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی، ۱۴۱۴ هـ ق.

۳۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه. جلد ۵. قم: کتابفروشی داوری. ۱۴۱۰ هـ.ق.
۳۵. شهیدی، مهدی. ارث. چاپ هشتم تهران: انتشارات مجد. ۱۳۸۹ هـ.ش.
۳۶. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۳۷. شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۳۸. صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله. حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق). جلد ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۰ هـ.ش.
۳۹. صنعانی، عبدالرزاق، مصنف عبدالرزاق، بیروت: المجلس العلمی - الهند، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۴۰. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ جلد، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۴۱. کاشف الغطاء، محمد حسین، آیین ما(اصل الشیعۀ)، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۴۲. کاشف الغطاء، شیخ جعفر، المتعه بین الشریعه و البدعه، تهران: به دید. ۱۳۷۸ هـ.ش.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت: دارالمعرفه. ۱۴۰۴ هـ.ق.
۴۴. طریحی، فخر الدین مجمع البحرین، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، بی جا، ۱۴۸۰ق، چاپ دوم.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن. الخلاف، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن. الاستبصار. قم: دار الحدیث، ۱۳۶۳ هـ.ش.
۴۷. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، الطبعة الاولى. ۱۴۱۳ هـ.ق.
۴۸. عاملی، محمد بن علی موسوی، نهایت المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۴۹. عظیم آبادی، شرف الحق، عون المعبود شرح سنن أبی داود، بیروت: بیت الافکار. ۱۳۸۸ هجری قمری.
۵۰. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم، موسسه دار الهجرة. ۱۳۵۶ هـ.ش.
۵۱. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب. الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعه. ۱۴۰۷ هـ.ق.

۵۲. کاشانی، فتح الله. زبده التفاسیر. قم، مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۵۳. گنجی، حسن. روابط زوجین در ازدواج موقت. چاپ اول. تهران: انتشارات پیام عدالت. ۱۳۸۴ هـ.ش.
۵۴. نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، الطبعة السابغة. ۱۴۰۴ هـ.ق.
۵۵. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی. حاشیه کتاب المکاسب، قم: مولف، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۵۶. موسوی بروجردی، سید حسن بن آقا بزرگ، القواعد الفقهیه، قم: الهادی، چاپ اول. ۱۴۱۹ هـ.ق.
۵۷. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن. جامع الشتات فی اجوبه السؤالات. جلد ۴، چاپ اول، تهران: موسسه کیهان. ۱۴۱۳ هـ.ق.
۵۸. لطفی، اسدالله. حقوق خانواده جلد ۱ چاپ اول تهران: انتشارات خرسندی. ۱۳۸۸ هـ.ش.
۵۹. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، قم: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۶۰. متقی الهندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، محقق: بکری حیانی، صفوة السقا، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الرساله. ۱۴۰۱ هـ.ق.
۶۱. محقق داماد، سید مصطفی. بررسی فقهی حقوق خانواده؛ نکاح و انحلال. آن چاپ سیزدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. ۱۳۸۵ هـ.ش.
۶۲. مدنی، سید جلال الدین، حقوق مدنی (حقوق خانواده). جلد ۸. چاپ اول تهران: انتشارات پایدار.
۶۳. مقدس اردبیلی، زبده البیان فی براهین احکام القرآن، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۶۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی تاب). مصباح الفقاهه، المکاسب، قم: موسسه انصاریان، چاپ اول.
۶۵. مفید، محمد بن محمد، السائل الصاغانیه، بیروت، دارالمفید. ۱۴۱۴ هـ.ق.
۶۶. نجفی، شیخ محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام جلد ۳۰ چاپ هفتم بیروت: دار إحياء التراث العربی. ۱۴۰۴ هـ.ق.
۶۷. وثیق زاده انصاری، حسن. «جایگاه قانونی ازدواج موقت در نظام حقوقی ایران». ماهنامه دادرسی شماره ۲۷. ۱۳۸۰ هـ.ش.
۶۸. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، قاهره: دارالحديث. ۱۴۱۲ هـ.ق.